

سنت اگوستین قراردارد، معروف‌ترین پناهگاه و منزلگاه برای کسانی که می‌خواهند آخرین روزهای زندگی خود را در طلوع آفتاب به انتظار مرگ بنشینند.

چشمهدی جوانی، منشاء آب زندگی، چاهی در انتهای جهان از موضوع‌های رایج در افسانه‌ها بوده است. در افسانه‌های داستانی پریان به مایمی سحرآمیز اشاره می‌شود که شفاغاهنده‌ی همه‌ی بیماران است و هر دردی را دوا می‌کند. مرده را به زنده مبدل کرده و هر کس که از این آب بنوشد عمر جاودانی و ازلی خواهد یافت. اسکندر کبیر نیز برای یافتن آب جاودانی و رسیدن به حیات ابدی به انتهای جهان سفر کرد.

لوکاس کراناک (L. Cranach) نقاش آلمانی (وفات ۱۵۵۳) در نقاشی خود چشمهدی را به تصویر کشیده است که زنان پیر با داخل شدن در آن، به زنانی جوان تبدیل می‌شوند.

در نقاشی دیگری از بوش<sup>\*</sup> نقاش هلندی «باغ خوشی‌ها» به تصویر کشیده شده و چشمهدی ای شفاغاه نشان داده می‌شود که منبع و منشاء رودخانه زندگی است که به باغ عدن می‌ریزد. (اسکندر کبیر؛ اسپیر زندگی؛ چشمهدی) در واقع نبودن آب مصادف با مرگ شمرده می‌شود، نه تنها در این جهان که در جهان دیگر نیز این چنین خواهد بود. در سنت‌های مسیحی و خاور نزدیک باور بر این است که مردگان در عطش آب خنک هستند، زیرا در بیابان‌های گرم و سوزانی قراردارند، که آب زندگی بخش و طراوت دهنده وجود ندارد.

آب به طور طبیعی با زندگی پیوندی نزدیک دارد و ادامه‌ی حیات بدون آن ممکن نیست. مایعات به صورت کلی حیات دهنده هستند: باران به رشد گیاهان کمک می‌کند، کودکان از شیر مادران تغذیه می‌کنند، جوجه در میان مایع داخل تخم بزرگ می‌شود، خون مایع حیات انسان‌ها و حیوانات است مایعات زندگی بخشند چون جریان دارند. جیوه «نقره حیات بخش» نامیده می‌شود زیرا که متحرک است و همین امر اساس اهمیت آن را به عنوان روح و جوهر در علم کیمیا مطرح می‌کند.

#### منشاء زندگی جاودانی

در اشیعا (فصل ۴۴) روح حیات دهنده و باران زندگی بخش با یکدیگر پیوند می‌یابند. در ارمیا (۲/۱۳) خداوند همچون «چشمهدی آب‌های زندگی دهنده» معرفی شده است. در حزقيال (فصل ۴۷) آمده است که رودخانه‌ی زندگی از اورشلیم برای آبیاری بیابان‌ها و تازه کردن آب‌های دریاها مرده و آنها را از انواع ماهی‌ها پرکردن جاری می‌شود.

در کتاب زکریا (فصل ۱۴) به روز خداوند اشاره می‌شود روزی که خداوند بر تمامی زمین حکم می‌راند و آب‌های حیات بخش از اورشلیم جاری خواهد شد... و در تابستان همچون زمستان این جریان استمرار پیدا خواهد کرد. مردم هر ساله برای نیایش خداوند و برگزار کردن جشن و عید مذهبی<sup>\*</sup> به اورشلیم خواهند رفت. و کسانی که از این کار سرباز زند و اهمال کنند هیچ بارانی بر آنها نخواهد بارید.

این پیشگویی، رودخانه زندگی و باران را با عید مذهبی (Booths) و همچنین جشن برداشت محصول یا جشن خرمن برداری<sup>\*</sup> (Tabernacle) که بعدها به جشن سایبان معروف شد پیوند می‌دهد. جشنی که مردم در طی برگزاری آن در بیرون از منازل خود و در زیر سایبان‌هایی که با شاخ و برگ پوشانده شده است به یاد اجدادشان که از بیابان‌های سوزان می‌گذشتند و خداوند به نحو شفاقتی بر آنها باران بارید مرامسمی برگزار می‌کنند. سایبان‌ها و آلاچیق‌های سرسبیزی که باغ عدن را به یاد می‌آورد، باغی که با رودخانه‌ای که به چهار رودخانه تقسیم می‌شد آبیاری می‌گردید. (سفر پیدایش، فصل ۲)

در طی برگزاری عید مذهبی آب به عنوان هدیه‌ای به خدایان داده می‌شد. مسیح می‌گفت «اگر کسی تشنه است به او اجازه دهید نزد من آمده و آب بنوش». (یوحنا، فصل ۷) و پیش از آن نیز گفته بود که «هر کسی از آبی



# رمزگرایی آب آشوب ازلی

○ ریچارد کاوندیش  
○ ترجمه سعید رضایی

آب و نقشی که در پالایش روحی و جسمی دارد و بازشناسی آن در اساطیر و نگاه به آن به عنوان نمادزایش و زایندگی و نماد تطهیر، جایگاه والایی را در ذهن انسان از گذشتنهای دور به خود اختصاص داده است. آب نه تنها، مقدس شمرده می‌شود که آشامیده می‌شود. در اسطوره‌های سومری، انکی موجوداتی را (دو موجود) با غذای زندگانی و آب حیات به جهان زیرین می‌فرستد و از آنان می‌خواهد تا شصت بار، آب حیات را بر جنازه‌ی آنان پاشند، تا زن خدا بار دیگر به زندگی بازگردد. آب اساس و شالوده‌ی هستی است. اعتقاد، مفهوم و آموزه‌ای محوری است که در طول آن بخش بزرگی از رسوم و آداب مذهبی و آیینی شکل می‌گیرد.

آب به لحاظ حیاتی بودنش مقدس شمرده می‌شود و این تقدیس به گونه‌ای است که از یک سوی نماد حیات و از دیگر سو نماد پالایش است. شست و شو در آب، در تفکر اسطوره‌ای یعنی حیاتی دوباره و نو شدن و حیات مجدد باقتن در تفکرات و آیین‌های دینی، تعمید حضرت مسیح نشانی است از زندگی نو در آیین مسیح. مسیح در روز عید تجلی آب را تقدیس می‌کند. غسل تعمید را می‌توان با مرگ انسان و سپس تولد مجدد او برابر دانست و در سطح کیهانی می‌توان با واژگونی اشکال هستی و گسسته شدن صورت‌ها و برگشت به آشوب ازلی و هیولی نامتعین، یکی دانست.

آب حیات و آب زندگی، آب آشوب ازلی و بی‌نظمی کیهانی (Chaos)\* و آب ویرانی و هلاکت سه عنصر اصلی در نمادگرایی آب به شمار می‌روند. Ponce de Leon حاکم اسپانیایی پوئرتوریکو (Puerto Rico) در اوایل قرن شانزدهم با سه کشتی برای یافتن آب زندگی به جست و جوی سرزمین Bimini پرداخت. محلی که کشتی‌های او در سال ۱۵۱۳ پهلو گرفتند، امروز شهر



جهان همچون آشوب ازلى خارج می‌شوند.

اما آب‌های آشوب ازلى و بی نظمی کیهان می‌توانند آب‌های بالقوه رنگی نیز باشند. آب‌هایی که چشممه و منشاء زندگی قرار گیرند. آفرودیت الهه‌ی عشق یونانی نیز از دریا متولد شد.

#### توضیحات از مترجم است

\* مطلب حاضر ترجمه و خلاصه‌ای است از مقاله آب در مجله انسان، اسطوره و جادو (Man, Myth & Magic, 107). ریچارد کاوندیش در زمینه سحر و جادو مطالعاتی داشته است و در سنت سحر و جادو اروپایی بررسی‌هایی کرده است. نویسنده The black art بوده و در آکسفورد تحصیل کرده است. اوی سفرهای متعددی در آمریکا و خاور دور داشته و نویسنده سه رمان است.

\* Chaos. آشوب و بی نظمی کیهان قبل از آفریش که به آن آشوب ازلى نیز گفته می‌شود. در واقع کیهان از همین بی نظمی زاده شده و نظم می‌یابد.

\* هیرونومیس بوش نقاش هلنی (وفات ۱۵۱۶). آثار او پر است از عجایب و به دور از عالم عقل و منطق. قاب تزئینی سه لوحی به نام «باغ

. مادر و پدر نیل، از یک معبد مصری مربوط به قرن نوزدهم؛ یکی از نکات اساسی در سمبلیسم آب ارتباط آن با زندگی است. بارانی که زمین و خاک را طراوات می‌دهد و رودخانه‌ای که آن را آبیاری می‌کند.

آلودگی مادی با آب شسته  
می‌شود و به صورتی نمادین  
آلودگی معنوی و گناه نیز  
می‌تواند با آب شسته شود.  
در این تصویر دست‌های  
مسیح شسته می‌شود.

(A Stained  
glass window in  
Lincoln Cathedral)

از خلقت.» به نظر الیاده تعیید را  
می‌توان معادل با مرگ انسان کهنه و  
تولد مجدد او دانست و در سطح کره‌ای  
می‌توان غسل تعیید را معادل دانست با پروز  
 توفان، واژگونی طرح‌های هستی، گسیختگی صور و  
رجعت به آشوب و هیولی نامتعین. این امر همانندی و  
مشابهتی را به ذهن ما می‌آورد، مشابهتی که کیمیاگران میان  
قداستی که در مسیح و در هنگام تعیید او در آب‌های اردن نزول می‌کند و  
روح خداوند که بر تمامی آب‌های آغازین در هنگام آفریش جریان دارد،  
قابلند.

نویسنده‌گان بعدی نیز بر یک همانندی میان آب‌های طوفانی و تعیید اشاره کردن و کشتن نوح را که از سیل، طوفان رهایی یافت، همچون یک پیش‌بینی از رستگاری و نجات به وسیله مسیح دانستند.

کشتن نوح با نماد کلیسا به عنوان کشتی، ارتباط پیدا می‌کند. کشتی‌ی که مومنان را از طوفان‌ها و خطراتی که در کمین شان وجود دارد نجات می‌دهد. مسیحیان با تعیید توائبند از بندگی شیطان نجات پیدا کنند. داستان طوفان، با شکل‌های مشابه در سنت‌های دیگر، نمونه‌ای است از جنبه‌های دیگر سمبلیسم و رمزگرایی آب و بازگویی این معنا که آب فرمان نیز همچون آب کم زیان آور خواهد بود.

در دریا خشونت، طغیان و تلاطم و ویرانگری آب دیده می‌شود، ویرانگری که می‌تواند تهدید کننده زندگی باشد. در اساطیر بابلی هیولای دری قیامات Euphrates (Tigris) که چشمانش رودخانه تیگریس (Baal) بر یم (Yam) هستند خدایان را به براندازی تهدید می‌کند، بعل (Jahweh) اسناد قدیمی خدای دریاها و رودخانه‌ها و آب‌های زیبرزمینی غلبه می‌کند. اسناد قدیمی گواهی می‌دهند بر پیروزی یهوه (Jahweh) بر غول دریا نیای بزرگترین غول‌ها و دورتر از آنها تهدید شدن توسط تحول‌ها و هیولاهاست که در داستان تخیلی به آنها اشاره می‌شود. غول‌هایی که از اعمق زمین برای انهدام

از مسخه‌ها

زندگی  
عجایب  
رسانید.

از مسخه‌ها

زندگی  
عجایب  
رسانید.



که من به او می‌دهم بنوش هرگز تشنه نخواهد شد» آبی که من به او خواهم داد «در او به صورت چشم‌های خواهد شد که زندگی جاودانی به او می‌دهد» (یوحنا، فصل ۴) در نمادگرایی مسیحی چهار رودخانه عدن با چهار انجيل شخص گردیده‌اند که پیام زندگی بخش مسیح را می‌آورند.

#### دستان پاک و قلب پاکیزه

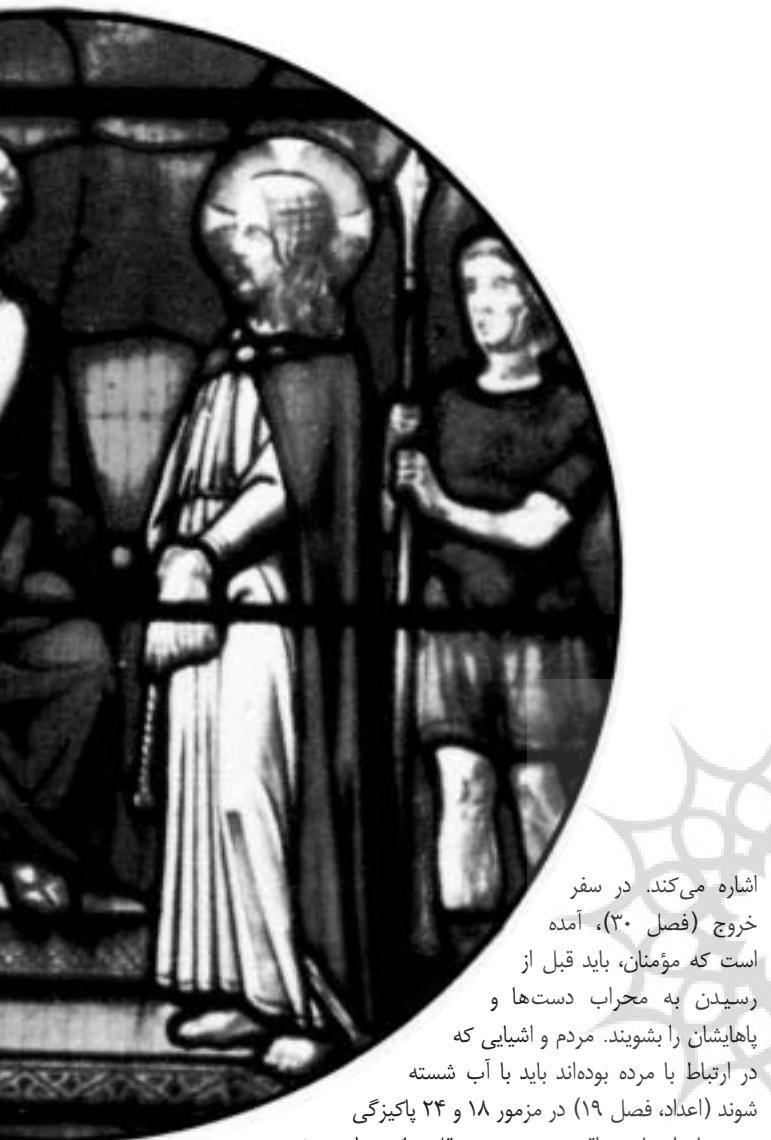
"Cleanliness is next to godliness" شست و شو با آب انسان را از هر آلوگی پاک می‌گرداند، این آلوگی ممکن است از منابع مختلفی چون خون، مرده، گناه یا نقض یک رسم ناشی شود (اگرچه آب به عنوان تنها عامل پاکیزگی به شمار نمی‌رود، بلکه آتش، شن و ماسه و مواد دیگری نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند) ما علاوه بر آلوگی‌های مادی، آلوگی‌های معنوی را نیز با آب پاک می‌کنیم و این امر یک پیش‌نیاز ضروری برای نزدیکی و رسیدن به بهشت است. در دین اسلام یک مومن باید قبل از برگزاری هر یک از نمازهای پنج گانه‌اش، دست و روی خود را بشوید و برای این امر مخازن یا حوض‌های در مساجد برایوضوگرفتن نمازگزاران تعییه شده است. کاهنان مصر باستان هر سه روز تمامی بدنشان را می‌تراشیدند و دوبار در روز و دوبار در شب خود را با آب سرد شست و شو می‌دادند. در مراسم شست و شوی آیینی هندوییسم، پاکیزگی جسمانی و روحانی در یک رودخانه یا حوض مقدس و یا محلی که در معبد برای این کار تعییه شده صورت می‌گیرد. "Ghats" یا بخش‌هایی از شست و شوی آیینی به عنوان مراکز و هسته‌های معنوی درنظر گرفته می‌شوند که شست و شو کننده خودش را به این ترتیب به زمین و آسمان پیوند می‌دهد. متون مسیحی ارزش زیادی برای پاکیزگی و رهایی از جادوها و آلوگی‌ها قائل شده است، آلوگی‌ها و افسوس‌هایی که یک روح را ممکن است به گناه آلوده سازد. اسناد و شواهد قدیمی متعددی بر پاکیزگی آیینی توسط آب

شاره می‌کند. در سفر خروج (فصل ۳۰)، آمده است که مؤمنان، باید قبل از رسیدن به محراب دست‌ها و پاهایشان را بشوینند. مردم و اشیایی که در ارتباط با مرده بوده‌اند باید با آب شسته شوند (اعداد، فصل ۱۹) در مزمور ۱۸ و ۲۴ پاکیزگی دست‌ها برابر با «صدقافت و درستی» و «قلب پاک» دانسته شده است.

کشیشان کاتولیک رومی قبل از بیان (Mass) دست‌هایشان را در ظرفی Lavabo نامیده می‌شد می‌شستند. «آب مقدس» که به ویژه توسط یک کشیش تبرک شده در مقابل درهای کلیسا قرارداده می‌شود، به نحوی که دعاکنندگان قبل از ورود به کلیسا خودشان را با آن تبرک می‌کنند. در واقع با این تبرک خود را به یک نیروی دفاعی در مقابل نیروهای شیطانی مجهز می‌کنند.

در مراسم تعمید، همان گونه که در آیین تدفین مصریان باستان وجود داشته، دو باور در مورد آب زندگی و آب پاکیزگی وجود دارد، آبی که هم می‌تواند آلوگی‌ها را پاک کند و هم می‌تواند آب زندگی شمرده شود. در مراسم تعمید، آب به مفهوم چشم‌های زندگی و منشاء همه اشکال زندگی آمده است در تعدادی از اساطیر آفریقی‌نشیش نیز این مفهوم وجود دارد. اگرچه آب به عنوان یک اصل جیانی درنظر گرفته می‌شود. بارانی که بر خاک می‌بارد، رودخانه‌ای که خاک را آبیاری می‌کند. اما این اصل حیاتی ممکن است هوا نیز باشد.

میرچالایاده در مورد سمبولیسم مراسم تعمید و آغاز آفرینش به وسیله آب بر این باور است که «تعمید» نشانه و علامتی است از برگشت، یک تجدید و اصلاح کلی، یک تولد مجدد و تازه، یک انحلال و زوال و یک بازسازی مجدد در اشکال بی قاعده‌ای که در ازالتی وجود داشته‌اند؛ و ظهور از آب تکراری است

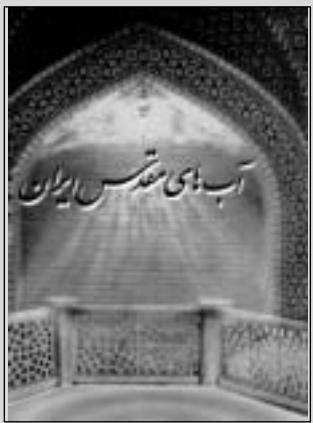


شاره می‌کند. در سفر خروج (فصل ۳۰)، آمده است که مؤمنان، باید قبل از رسیدن به محراب دست‌ها و پاهایشان را بشوینند. مردم و اشیایی که در ارتباط با مرده بوده‌اند باید با آب شسته شوند (اعداد، فصل ۱۹) در مزمور ۱۸ و ۲۴ پاکیزگی دست‌ها برابر با «صدقافت و درستی» و «قلب پاک» دانسته شده است.

کشیشان کاتولیک رومی قبل از بیان (Mass) دست‌هایشان را در ظرفی Lavabo نامیده می‌شد می‌شستند. «آب مقدس» که به ویژه توسط یک کشیش تبرک شده در مقابل درهای کلیسا قرارداده می‌شود، به نحوی که دعاکنندگان قبل از ورود به کلیسا خودشان را با آن تبرک می‌کنند. در واقع با این تبرک خود را به یک نیروی دفاعی در مقابل نیروهای شیطانی مجهز می‌کنند.

در مراسم تعمید، همان گونه که در آیین تدفین مصریان باستان وجود داشته، دو باور در مورد آب زندگی و آب پاکیزگی وجود دارد، آبی که هم می‌تواند آلوگی‌ها را پاک کند و هم می‌تواند آب زندگی شمرده شود. در مراسم تعمید، آب به مفهوم چشم‌های زندگی و منشاء همه اشکال زندگی آمده است در تعدادی از اساطیر آفریقی‌نشیش نیز این مفهوم وجود دارد. اگرچه آب به عنوان یک اصل جیانی درنظر گرفته می‌شود. بارانی که بر خاک می‌بارد، رودخانه‌ای که خاک را آبیاری می‌کند. اما این اصل حیاتی ممکن است هوا نیز باشد.

میرچالایاده در مورد سمبولیسم مراسم تعمید و آغاز آغاز آفرینش به وسیله آب بر این باور است که «تعمید» نشانه و علامتی است از برگشت، یک تجدید و اصلاح کلی، یک تولد مجدد و تازه، یک انحلال و زوال و یک بازسازی مجدد در اشکال بی قاعده‌ای که در ازالتی وجود داشته‌اند؛ و ظهور از آب تکراری است



- آب‌های مقدس ایران
- جمشید صداقت کیش
- انتشارات شرکت آب و فاضلاب شیراز

«آب‌های مقدس ایران» عنوان پژوهشی است از جمشید صداقت کیش که در یازده فصل و تحت عنوانی آب، آب در ایران باستان، آب در آیین مزدیسنا، فرشته آب و فرشته باران، عروسی قنات، جشن‌های آب‌پاشان (آبریزگان) و تیرگان، سایر جشن‌ها، آب در ایران پس از اسلام، آب‌های مقدس، مراسم باران‌خواهی، تجزیه و تحلیل مراسم باران‌خواهی ارائه شده است.

صداقت کیش با آوردن این ضرب المثل که می‌گوید: «آنچه با آفتاب بمیرد، توسط آب زنده‌اش می‌کند، اما آنچه از بی‌آبی بمیرد آفتاب هم زنده‌اش نمی‌کند.» معتقد است در کشورمان همه چیز وابسته به آب بوده، کشوری که از زمانی دور با خشکسالی رو به رو بوده است. در ارتباط با آب، کشورمان دارای فرهنگ و تمدن خاصی بوده و برای استفاده بهینه از آن و هزاران موضوع دیگر ایرانیان آداب، مراسم و باورهای داشته‌اند که سعی شده از لابلای متون هر آنچه موجود است بیرون کشیده شود. در این‌اثر آنچه در پژوهش‌های میدانی در مورد فارس به دست آمده گردآوری، و بر اساس ادیان پیش از اسلام در ایران و نیز در ایران بعد از اسلام تشریح شده‌اند. در فصلی نیز نمادهای چنین مراسمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مولف ابتدا به آب به عنوان بن‌مایه زندگانی پرداخته است و سپس به آب در ایران باستان اشاره می‌کند. در بحث آب در آیین مزدیسنا سه فرشته‌ی مرتبط با آب یعنی آناهیتا (فرشته آب)، فرشته نگهبان آب و فرشته باران مورد بحث قرار می‌گیرد.

تحت عنوان عروسی قنات به این نکته اشاره شده که موضوع نر و ماده بودن آب‌ها و نیز قنات که ماندگاری است از مراسم دوران ستایش آناهیتا و تیشتر، ما را به عروسی قنات رهنمود می‌کند که امروزه در بسیاری از نقاط ایران رواج دارد. زن گرفتن برای قنات و نحوه اجرای مراسم عروسی و شوهر دادن قنات و برگزاری این مراسم در مجاورت آب‌ها و قربانی

خوشی‌ها» پرتفصیل‌ترین و ابهام برانگیزترین اثر بوش به شمار می‌رود. از سه نقاشی قاب تزیینی وی تنها قسمت چپ آن که به باغ فردوس اشاره می‌کند بازنشسته می‌شود. باغی که در آن خداوند آدم را به حوای تازه آفریده شده معرفی می‌کند. در بخش مرکزی این قاب منظره‌ای به چشم می‌خورد که بسیار شبیه به باغ عنان می‌باشد با جمع بی‌شماری از مردان و زنان و اعمالی عجیب و غریب. به نظر می‌رسد خوشی‌های این باغ همه از هوش‌های جسمانی ناشی شده است. پرنده‌گان، میوه‌ها و مانند آن‌ها رمزهایی است که برای توصیف زندگی بشر بر روی زمین و اثبات اینکه همه زندانی شهوات خود هستیم.

\* مبنای حکایت اقامت اسراییل در مصر و فرار آنان از مصر که در سفر خروج آمده رویدادی تاریخی است. اما قالب القاء این واقع نمی‌تواند تاریخ باشد. داستان مصیبت‌های دهگانه‌ای که فرعون را ناگزیر می‌کند که به اسراییل اجازه خروج از مصر بدهد، همچنین شکافتن دریای سرخ برای عبور اسراییل، داستان عصای موسی، داستان ستون ابر و آتشی که بهود تصور خودش را در آن بین قوم خودش متجلی می‌کند قالبی است که اعمال پیروزمندانه یهوه در آن حفظ گردیده و همه ساله در هنگام بهار در جشنواره فصح، در نیایش‌های همگانی خوانده می‌شود. از (سفر خروج ۲۷:۲۴ و ۱۳:۱۴-۱۵) بر می‌آید که هدف این مراسم عبادی تجلیل از یهوه و تذکار اعمال رهایی دهنده‌ی او می‌باشد. این جشن ابتدا به صورت یک آیین خانوادگی انجام می‌گرفت اما کم کم به صورت جشنواره‌ای گسترش یافت که در مکان مقدسی برگزار می‌شد و در نهایت نیز در حریم معبد در شهر اورشلیم اجازه برگزاری یافت.

(اساطیر خاورمیانه/ساموئل هنری هوك)

\* در سفر تثنیه (۱۱:۱-۶) به آیین‌های فصلی و احتمالاً به رویداهایی اشاره می‌کند که در یک پرستشگاه محلی به هنگام جشن برداشت خرمن که جشن ساییان نیز نامیده شده رخ می‌داد. نیایشگر پیشکشی خود را آورده و به کاهن تسلیم می‌کند و کاهن آن را در جلوی مذبح می‌گذارد.

نیایشگر در مقابل کاهن و مذبح اسطوره کیشی سفر خروج (Exodus) ورود به کتعان را می‌خواند. این بخش نشان دهنده ضمیم این سنت است که کاهنان مراکز کیشی محلی رویدادهایی را که در گذشته‌ای دور بر اسراییل گذشته است، حفظ کرده‌اند. سپس این وقایع به صورت دعا و نیایش‌های جمعی و برای نسل‌های بعدی به ارت گذاشته شده است، درست همان گونه که در فستیوال سال نوی بابلی اسطوره‌ای پیروزی مردوک بر تیامات را می‌خوانند.

در جشنواره‌های فصلی اسراییل نیز داستان ذکر آیینی، اعمال مقدرانه یهوه، رویداد اصلی این مراسم بوده است. قالب ذکر است که انبیاء اسراییل که تفسیرکنندگان گذشته اسراییل به صورت «تاریخ به مثاله‌ی رستگاری» بودند از نگاره‌های اسطوره‌ای بابلی بهره گرفته‌اند تا رهایی اسراییل را به دست یهوه از مصر تبیین کنند. چنان‌چه مصر شبهیه به اژدهایی شده که شمشیر یهوه بر آن کوبیده می‌شود. (اعیا ۹-۱۰) (اساطیر خاورمیانه، ساموئل هنری هوك)

ترجمه علی اصغر بهرامی، فرنگیس مزادپور)

\* تیامات Tiamat در اساطیر بابلی - آشوری غول یا اژدهای مؤئٹ آب‌های شور نامیده می‌شد و در اساطیر سومری به نام لا بو آمده است.